

رابطه ایمان و عمل در قرآن و روایات (با تأکید بر کتاب الکافی)

سید محمد حسین موسوی جزایری^۱

چکیده

ایمان در اعتقاد و عمل انسان، نقش داشته و مسیر رفتار او را تعیین می‌کند. اینکه آیا عمل جزو ایمان است و یا شرط و لازمه‌اش، پرسشی بود که اختلاف در پاسخ به آن پیدایش فرقه‌های گوناگونی مانند خوارج، معتزله و کرامیه را رقم زد؛ اختلافی که هنوز در قالب‌های دیگری ادامه دارد. مأموریت این نوشتار، بررسی رابطه ایمان و عمل با تحلیل گزاره‌های قرآنی و حدیثی است. این مقاله با تأکید بر روایات کتاب «الکافی» عمل را جزو ارکان ایمان می‌شمرد.

واژگان کلیدی

مفهوم ایمان، تکفیر مسلمان، فسق مؤمن، الکافی، معارف قرآن و حدیث

۱. فارغ التحصیل سطح سه مرکز تخصصی حدیث، دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمی قم.

درآمد

انسان از روی فطرت، نیازمند ایمان است. ایمان به انسان هویت داده و او را به زندگی امیدوار می‌کند. گاهی متعلق ایمان اشتباه گرفته شده، برخی انسان‌ها به چیزهایی که شایسته نیست، ایمان می‌یابند و حقیقتی را که شایسته ایمان است فراموش می‌کنند. بعثت پیامبران علیهم السّلام برای نشان دادن حقایق و تعیین راه ایمان است. بر اساس فرمان عقل و آموزه‌های توحیدی، شایسته است که ایمان به برترین قدرت و بالاترین وجود، تعلق گیرد. چنین ایمانی، به انسان، قدرت داده و او را از گردنه‌های دشوار به سلامت عبور می‌دهد.

پرسش این است که اجزای ایمان چیست و شرایط آن کدام است؟ آیا عمل انسان در ایمان او نقش دارد؟ آیا اسلام و ایمان یک چیز است؟ برخی گمان می‌کنند که تمام ایمان، نیت است و عمل، نقشی در آن ندارد.^۲ این تصور موجب شده که عمل را لازم ندانسته و صرف اعتقاد و نیت خیر را کافی بدانند. بر اساس این تفکر، تلاش برای اصلاح امور، ضرورتی ندارد. با این نگاه حتی می‌توان مرتکب ظلم شد ولی با نیت خیر. از این توهم، فرضیه «هدف وسیله را توجیه می‌کند» و برخی از فرضیات غلط دیگر بیرون می‌آید.

برابر این نگاه، تفکری است که همه چیز را بر پایه عمل دانسته و نیت و اعتقاد را بی‌فایده می‌شمرد. از درون این فکر، دین شخصی و لائیسزم بیرون می‌آید؛ زیرا هر کسی و با هر نیتی به مستمندان کمک کند پسندیده است؛ خواه با نیت تحقیر یا با نیت عمل به تعهد انسانی و الهی و یا با نیت سلطه. این تفکر نیز جوابگوی بشر دارای فطرت و اعتقادات انسانی نیست. لیبرالیسم و کمونیسم زائیده این نگاه هستند. نگاه اسلام به ایمان در برابر این روش‌ها قرار دارد.

هدف نوشتار حاضر، دستیابی به معنای درست ایمان و رابطه آن با عمل است. این تحقیق، مأموریت خود را با بررسی آیات و روایات دنبال کرده و تمرکز روایات آن بر کتاب الکافی مرحوم کلینی به عنوان معتبرترین نگاهش حدیثی شیعه است؛ هرچند روایات منابع دیگر هم مورد مطالعه قرار گرفته است. بهره این نگاشته، افزون بر دستیابی به هدف پیش گفته، شناخت دیدگاه قدمای شیعه

۲. مرجئه، گروهی بودند که برای عمل، جایگاهی در ایمان قائل نبوده و جوانان را به اباحی‌گری تشویق می‌کردند. (ن.ک: الایمان و الکفر، ص ۳۰)

نسبت به موضوع ایمان، زمینه‌سازی برای ارائه الگویی در مراتب ایمان، تطبیق آیات و روایات و جمع‌بندی برخی اختلافات بدوی در متون این موضوع است.

در دوره کنونی مقالات و کتاب‌هایی درباره این موضوع چاپ شده که «الایمان و الکفر فی الکتاب و السنة» نوشته آیت الله سبحانی، پایان‌نامه «بررسی متقابل ایمان و عمل از دیدگاه قرآن و روایات» نوشته مینا هاشمی و پایان‌نامه «رابطه ایمان و عمل صالح از دیدگاه قرآن و حدیث» از آقای آیت الله احمدی جزو مفصل‌ترین و مهم‌ترین این نگاه‌هاست.

نوشته‌های یادشده هرچند قوت‌های بسیاری دارند؛ اما نگاه مستقل قرآنی و حدیثی به این موضوع نداشته و یا نیازمند بازپردازی در زاویه ورود و خروج موضوع هستند. ویژگی مقاله حاضر، نگاه خالص قرآنی و حدیثی و ارائه تبیینی نو و راه کار جمع بین روایات است.

روش تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و از ۵۰ فیش اخذ شده به‌طور مستقیم در مقاله استفاده شده است. سه نرم‌افزار نور ۳/۵، کلام و مکتبه اهل بیت بیشترین منابع رایانه‌ای را در اختیار گذاشتند. در این مقاله بررسی سندی روایات نیامده و تلاش شده تا پیش از بهره‌گیری از حدیث، اعتبار آن احراز شود. در ادامه، ابتدا واژگان پرکاربرد، مفهوم‌شناسی شده و سپس مبانی بحث طرح می‌شود. آنگاه ایمان در الکافی و ارتباطش با عمل، در دو قسمت تحلیل می‌گردد.

الف) مبانی و مفهوم‌شناسی

برای شناخت دقیق مفهوم ایمان، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی و سپس واژگان مرتبط بررسی می‌شود. ایمان از مفاهیمی است که ارتباط نزدیکی با معنای لغوی خود دارد؛ به‌گونه‌ای که برخی از نظریات بر پایه معنای لغوی ایمان است.

۱. شناسایی لغوی واژگان

مفهوم ایمان، اسلام و کفر از مفاهیم مرتبط با یکدیگر است که برای شناخت هریک، شناخت دیگری هم ضرورت دارد.

۱/۱. ایمان

این واژه از ریشه «ا م ن» گرفته شده و ضدّ خوف است. معنای این ریشه را آرامش خاطر و سکون قلب گفته‌اند^۳ اما به معنای تصدیق هم دانسته شده که ضدّ آن تکذیب است.^۴ برخی دیگر، اظهار خضوع را ایمان شمرده‌اند.^۵

در مجموع، ایمان به معنی آرامش است و معانی دیگر همین معنا برمی‌گردد. انسان در شرایطی، امری را تصدیق می‌کند که نسبت به آن سکون قلبی داشته باشد. دو معنای آخر هم به کاربرد ایمان، نظر داشته و اصل جدیدی برای این ماده نیست.

۲/۱. اسلام

این واژه از «س ل م» گرفته شده به معنای صحت و عافیت. سلام هم آرزوی پاکی طرف مقابل از نقص و عیب است. اسلام نیز به معنای پاک کردن و اراده صحت و عافیت است.^۶ در کتاب «العین» گفته شده که اسلام، تسلیم در برابر امر خداوند و اطاعت دستوراتش است.^۷ این واژه به معنای پذیرفتن امری، اظهار خضوع، شریعت آخر الزمان و التزام به دستورات پیامبر هم آمده است.^۸

در مجموع، اسلام به معنی اراده صحت و عافیت است. پذیرش یگانگی خدا و شهادت به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز راهی برای صحت و عافیت بوده و از همین جا مصطلح اسلام برای دین پیامبر خاتم به کار رفته است. پذیرفتنی بودن از ویژگی‌ها و قیود این ماده است و تنها چیزهایی که عافیت آن تضمین شده باشد، پذیرفتنی است و دین، از آن جمله است.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳؛ العین، ج ۸، ص ۳۸۸.

۴. لسان العرب، ج ۱۳ ص ۲۱؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۷۱.

۵. تاج العروس ج ۱۳ ص ۲۳.

۶. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۰.

۷. ج ۷، ص ۲۶۶.

۸. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۳.

۳/۱. کُفر

این واژه از «ک ف ر» گرفته شده و مصدر ثلاثی مجرد به معنی پوشاندن^۹ است. ایمان، نقیض کفر بوده^{۱۰} و به کسی که شکر نعمت به جا نمی‌آورد نیز کافر گفته می‌شود.^{۱۱} در مجموع، کفر به معنای پوشاندن است. کسانی که به خدا و یا صفات او ایمان ندارند، حقیقتی را می‌پوشانند و کسانی که شکر نعمت‌های مادی و معنوی مانند نبوت و ولایت را به جا نمی‌آورند نیز نعمت را نادیده انگاشته‌اند.

ارتباط بین این واژگان چنین است که اسلام، حرکت به سمت صحّت و عافیت است؛ اما مرتبه بالاتر آن، ایمان است که سکون قلبی به دنبال دارد. قوت در ایمان با عقیده حاصل شده و اگر عقیده، مورد عمل قرار نگیرد، ارزشی نخواهد داشت. نبودن هر یک از اینها مرتبه‌ای از کفر است.

۲. دیدگاه صاحب‌نظران درباره مفهوم ایمان

معنای لغوی ایمان آرامش و تصدیق قلبی ناشی از آن است. درباره مفهوم کاربردی ایمان، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که برخی متصل به فرمایشات ائمه علیهم السلام بوده و گروهی دیگر، این چنین نیست.

۱/۲. دیدگاه‌های شیعی

دانشمندان و کلامیان شیعه تلاش کرده‌اند تا دیدگاه خود را از آموزه‌ها و احادیث معصومان علیهم السلام دریافت کنند. آنها اگرچه در این زمینه با یکدیگر اختلاف نظر جزئی داشته‌اند؛ اما هیچگاه به مرحله تکفیر یکدیگر نرسیدند. در ادامه برخی از دیدگاه‌های اثرگذار، ارائه می‌شود.

- سید مرتضی:

ایمان، تصدیق قلبی است و اقرار لسانی اعتباری ندارد. پس کسی که نسبت به خداوند معرفت داشته و به آنچه خداوند واجب کرده، اذعان نفسانی دارد، مؤمن است.^{۱۲}

۹. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۹۱.

۱۰. العین، ج ۵، ص ۳۵۶.

۱۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۴۴.

۱۲. الذخیره فی علم الکلام، ص ۵۳۶.

- خواجه نصیر الدین طوسی: وی ایمان را تصدیق و اقرار زبانی دانسته؛ ولی اقرار تنها را کافی نمی‌شمرد و آن را ایمان اعرابی می‌خواند.^{۱۳}

- مرحوم طبرسی:

ایمان عبارت است از تصدیق و باورداشتن به خداوند متعال و اعتقاد به نبوت و ضروریات دین اسلام و اقرار و اعتراف زبانی به این اعتقادات.^{۱۴}

وی در تعریف خود تصدیق قلبی و اقرار را از ارکان ایمان دانسته است. این تعریف به معنی لغوی نزدیک است چراکه بر اساس مباحث پیشین، معنای ایمان، تصدیق است. البته طبرسی به اینکه عمل جزو ایمان است یا نه؟ اشاره‌ای نمی‌کند.

- علامه طباطبایی: وی در جاهای مختلف، درباره ایمان سخن گفته که جمع‌بندی آن چنین است: ایمان عبارت است از تصدیق جزمی توأم با التزام، به همراه علمی با سکون و آرامش، به طوری که آثار آن علم در عمل آشکار شود.^{۱۵} این معنا نزدیک به معنای لغوی ایمان است؛ زیرا ایمان در لغت، سکون و آرامش بوده و هنگامی این آرامش معنا می‌یابد که دارای آثار عملی باشد. به همین دلیل، علامه تصریح کرده که ایمان، تصدیق چیزی است با التزام به لوازم آن. در واقع، ایمان به خدا در عرف قرآن عبارت است از تصدیق به یگانگی خدا، بعثت پیامبران و هرآنچه آورده‌اند و معاد، همراه با پیروی عملی. در قرآن هر جا صفات نیک مومن با پاداش جزیل ذکر شده، به دنبال آن عمل صالح نیز آمده است.

۱۳. تجرید الاعتقاد، ص ۳۰۹.

۱۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۵. المیزان، ج ۱۵، ص ۶.

نتیجه آنکه، تعریف‌ها اختلاف کمی با یکدیگر داشته و همه آنها بر اقرار زبانی و تصدیق قلبی اذعان کرده‌اند؛ اما اختلاف آنها در ارتباط این دو امر با عمل است که برخی آن را خارج از تعریف دانسته و برخی دیگر، داخل در تعریف می‌دانند.

۲/۲. دیدگاه‌های غیر شیعی

متکلمان و دانشمندان غیر شیعه، تعاریف خود را از ایمان، چنان ساخته‌اند که یکدیگر را تکفیر می‌کنند. در ادامه، خلاصه‌ای از دیدگاه‌ها می‌آید.

- اشاعره: این گروه، ایمان را عبارت از تصدیق قلبی وجود خدا و پیامبران و امرها و نهی‌های خدا که به وسیله پیامبران بر بشر فرود آمده و اقرار زبانی به همه آنها می‌دانند. جوهر این تصدیق و اقرار، نه علم و معرفت است و نه تصدیق منطقی؛ بلکه این تصدیق به معنای شهادت‌دادن به حقایق و واقعیت آشکار شده و پذیرفتن آن است. این حالت از یک سو، گونه‌ای خضوع و تسلیم روانی است و از دیگر سو، گونه‌ای ارتباط کنش‌گر با موضوع تصدیق و شهادت است.^{۱۶}

- معتزله: این گروه می‌گویند که حقیقت ایمان، تصدیق قلبی به پیوست اقرار زبانی و عمل است. آنها بر این عقیده‌اند که اگر کسی مرتکب گناه کبیره شده و توبه کند، نه مؤمن است و نه کافر و در جایی بین بهشت و جهنم قرار می‌گیرد. چنین شخصی در صورت توبه‌نکردن به جهنم می‌رود.^{۱۷}

- کرامیه: این گروه، ایمان را اقرار زبانی می‌دانند هر چند در قلب، کفر وجود داشته باشد.^{۱۸}

- خوارج: آنها عقیده دارند که تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل، هر سه از ارکان ایمان است. از این رو اگر کسی ترک واجبات کند و مرتکب کبیره شود، مرتد و کافر است.^{۱۹}

۱۶. ن.ک: شرح المواقف، ج ۷، ص ۱۳۲.

۱۷. ن. ک: شرح الاصول الخمسه، ص ۴۷۵.

۱۸. ن. ک: فصل فی الملل والاهواء و النحل، ج ۲، ص ۱۱۱.

۱۹. ن.ک: الایمان و الکفر، ص ۱۵.

تعریف‌ها با یکدیگر اختلافات بسیار دارند. بر پایه‌ی تعریف برخی، مرتکب گناه کبیره، مرتد است؛ اما در تعریف برخی دیگر، او بر اثر ایمان خود، سرانجام وارد بهشت خواهد شد و یا در جایی، بین بهشت و جهنم قرار خواهد گرفت. این اختلافات باعث برخورد و تکفیر گروه‌ها نسبت به یکدیگر شده است.

۳. مفهوم ایمان در قرآن

ماده‌ی ایمان در قرآن کریم ۳۹۹ بار به کار رفته است. دانشمندان مذاهب اسلامی از این کاربردها برداشت‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. شاید بتوان از برخی آیات قرآن کریم، تعریف ایمان را استخراج کرد. آیه‌ی ۶۲ سوره بقره می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کاری شایسته کنند، خدا به آنها پاداش نیک می‌دهد و نه بیمناک می‌شوند و نه محزون.

همچنین آیه‌ی ۶۹ سوره مائده می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

هرآینه از میان آنان که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان و نصارا هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و کار شایسته کند بیمی بر او نیست و محزون نمی‌شود.^{۲۰}

۲۰. ترجمه‌ی آیات قرآن از عبدالمحمد آیتی است.

«الَّذِينَ آمَنُوا» در این آیات به معنی کسانی است که به دین اسلام گرویده‌اند^{۲۱} و ایمان و عمل در کنار هم آمده و مراد از ایمان، ایمان به خدا و روز قیامت دانسته شده است.
مرحوم طبرسی به نقل از برخی دانشمندان می‌گوید:

مقصود از «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» کسانی هستند که به زبان، ایمان آورده ولی در دل ایمان ندارند؛ مانند منافقان، یهود، نصاری و صابئان. این گروه‌ها اگر پس از نفاقشان واقعاً ایمان آورند و بعد از همه دشمنی‌ها و سرسختی‌ها تسلیم شوند، پاداش آنان نزد پروردگار همانند کسانی است که از ابتدا و بدون پیشینه نفاق، اسلام آورده‌اند. قرآن در برابر پندار کسانی که تصوّر می‌کردند، اسلام آوردن بعد از نفاق و عناد، اجر کمتری دارد، اعلام می‌دارد که هر کسی به توحید، صفات خدا و روز رستاخیز معتقد باشد و اعمال صالحه‌ای را که خدا دستور داده، انجام دهد، پاداش می‌گیرد و ترک گناه هم داخل در عمل صالح است.^{۲۲}

بر اساس این بیان، عمل صالح جزئی از ایمان واقعی خواهد بود و در برابر ایمان ظاهری که صرف اقرار به زبان باشد، قرار می‌گیرد.
خداوند در آیه دیگری می‌فرماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.^{۲۳}

کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، راستگویان و راستکارانند.

۲۱. ترجمه تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، ج ۲، ص ۷۶؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲۲. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲۳. حدید، ۱۹.

در اینجا متعلق ایمان، خدا و رسول هستند و در مفهوم ایمان، عمل به دستورات ایشان اخذ شده است.^{۲۴} در آیه هفدهم سوره یوسف^{۲۵} هم ایمان به معنای تصدیق قلبی آمده است.^{۲۶}

می توان معانی همه این آیات را به معنای لغوی ایمان برگرداند که همان تصدیق و سکون باشد. معنای اصطلاحی ایمان هم برگرفته از معنای لغوی است؛ تنها متعلق ویژه‌ای به آن پیوست می‌شود. بنابراین معنای آیات گذشته، تصدیق یگانگی خدا و پیامبری رسول الله بوده و این تصدیق، زمانی جزمی و واقعی خواهد بود که همراه با عمل باشد. حتی اگر ایمان به معنی تسلیم گرفته شود باز هم در معنای تسلیم، عمل وجود دارد؛ زیرا تا عمل نباشد، تسلیم معنا نمی‌دهد.^{۲۷}

نکته پایانی، تأکید قرآن بر جدایی اسلام از ایمان است. خداوند در پاسخ به تصوّراتی درباره ایمان و اسلام اعراب می‌فرماید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قَوْلُوا أَسَلَمْنَا وَ لَمَّا
يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلْتَكُم مِّنْ
أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ.^{۲۸}

اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بگوید که تسلیم شده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌هایتان داخل نشده است و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید از ثواب اعمال شما کاسته نمی‌شود؛ زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.

بر اساس این آیه، اسلام، امری غیر از ایمان است و ایمان، هرچند مفهومی مستقل، غیر از عمل صالح است؛ اما حفظ حقیقت آن، متوقف بر عمل می‌باشد.

نتیجه اینکه عمل از ارکان رتبی ایمان است؛ اعم از انجام عمل واجب و ترک عمل حرام. همین مفهوم، دربرگیرنده مستحب و مکروه نیز هست. ترک واجب و انجام حرام هرچند باعث نقض ایمان

۲۴. ن. ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۶.

۲۵. «وَ مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ.»

۲۶. ن. ک: مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۱.

۲۷. ن. ک: قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲۸. حجرات، ۱۴.

کامل می‌شود اما منجر به کفر نمی‌گردد؛ بلکه ایمان و کفر هر دو دارای مراتبی هستند. قرآن کریم هم عمل صالح را در کنار ایمان آورده و این به معنای لزوم حرکت به سمت کمال ایمان با عمل صالح است.

۴. مفهوم ایمان در روایات

تعریف ایمان از نگاه معصومان علیهم السلام چیست؟ آیا می‌توان تعریف روشنی از آن ارائه کرد؟ آیا ایمان تنها یک امر درونی است؟ نسبت ایمان با اسلام چیست؟ اینها بخشی از پرسش‌هایی است که در ذهن مسلمانان وجود داشت و معصومان علیهم السلام به آن پاسخ داده‌اند.

رسول‌الله صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش‌های مختلف درباره حقیقت ایمان، اجزای آن را برشمرده‌اند. ایشان شهادت به یگانگی خدا، شهادت به رسول خدا که به حق مبعوث شده، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، اعتقاد به قضا و قدر الهی،^{۲۹} محبت اهل بیت علیهم السلام و ترک جدال با ایشان^{۳۰} را جزئی از ایمان شمرده‌اند.

پس از رسول خدا هم پرسش درباره ایمان، ادامه یافت و عده‌ای به خاطر تعاریف مختلف از آن، فرقه‌هایی ایجاد کردند. ائمه علیهم السلام برای آگاهی مردم به مناظره، مباحثه و نقد عقاید پرداختند که نمونه‌هایی از آن در کتاب‌های حدیثی به چشم می‌خورد.^{۳۱} برخی از روایات، تصریح کرده که عمل، جزئی از ایمان است. در روایتی آمده که زناکار در حال ایمان زنا نمی‌کند و سارق در حال ایمان سرقت نمی‌نماید؛ بلکه گناه موجب خروج مؤمن از ایمان در همان حال گناه شده و پس از پشیمانی، مؤمن مجدداً به ایمان بازمی‌گردد.^{۳۲} امام رضا علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که ایمان، شناخت قلبی، اقرار زبانی و عمل است.^{۳۳}

۲۹. ن. ک: الخصال، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳۰. ن. ک: بشاره المصطفی، ص ۱۵۴.

۳۱. ن. ک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۵؛ همچنین برای آگاهی بیشتر به کتاب الاحتجاج طبرسی مراجعه شود.

۳۲. ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۶.

برخی، این روایات را در ردّ مرجئه دانسته^{۳۴} و استدلال کرده‌اند که مرجئه، ایمان را بدون عمل قبول داشته و جوانان را به اباحی‌گری تشویق می‌کردند؛ به همین جهت، مورد لعن واقع شدند و این روایات، در برابر آنها صادر شد.^{۳۵} گروه‌های دیگری هم شبیه اینها بودند که یا عمل را لازم ندانسته و یا هرگونه عملی را حتّی بدون دستور شرعی، کافی می‌شمردند.^{۳۶} بنابراین، روایات یادشده، تأییدی بر رأی خوارج در رکنیت عمل، نیست بلکه در برابر تفکّر اباحی‌گری و آزادعملی است.

از سوی دیگر عملی که لازمه ایمان است با عملی که خوارج و معتزله آن را جزئی از ایمان می‌دانند، متفاوت است. بر اساس روایات، مطلق عمل مشروع اعم از انجام واجب و مستحب و ترک حرام و مکروه، مورد نظر اهل بیت علیهم السّلام است؛^{۳۷} به خلاف نظر خوارج که تنها واجب و حرام را جزو ایمان می‌دانند.

همچنین خوارج، گناه را مساوی با کفر به معنی ارتداد و حرمت دفن در قبرستان مسلمانان می‌دانند؛ در حالی که اهل بیت علیهم السّلام ایمان را دارای سه مرتبه دانسته‌اند که وقتی رتبه نخست آن یعنی اعتقاد قلبی حاصل شد، فرد داخل در حوزه ایمان می‌شود. برخی از روایات هم نشان می‌دهد که وجود دو رتبه اعتقاد و اقرار برای ورود به حوزه ایمان و حفظ جان و مال فرد، ضروری است.^{۳۸}

امام علی علیه السّلام در برابر خوارج، اینگونه استدلال کردند که شما می‌دانید رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله زناکننده‌ای را که همسر داشت، سنگسار کرد و بعد بر او نماز گزارده و میراثش را به کسان او داد با اینکه عقیده شما بر این است که کفر، مانع از ارث بردن است؛ اگر چه وارث مسلمان باشد. ایشان قاتل را کشت و ارث او را بین وارثان تقسیم کرد؛ دست دزد را برید و زنا کننده بی‌همسر را تازیانه زد؛ سپس از مالی که مسلمان‌ها به غنیمت آورده بودند به این افراد هم داد و آنان هم زن‌های مسلمان را به نکاح خود درآوردند. اگر زنا و آدم‌کشی و دزدی که گناه کبیره است موجب کفر می‌گشت، پیغمبر اکرم بر زانی نماز نمی‌خواند و ارث او و قاتل را به کسانشان نمی‌پرداخت و یا به زناکننده بی‌همسر و دزد دست‌بریده، از غنیمت، نداده و آنها زن‌های مسلمان را به نکاحشان در

۳۴. الایمان و الکفر، ص ۱۰.

۳۵. ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳۶. ن. ک: همان، ص ۴۰۹.

۳۷. ن. ک: همان، ص ۳۳.

۳۸. ن. ک: همان، ص ۲۵.

نمی‌آوردند؛ زیرا نمازخواندن بر کافر جائز نیست و کفر از جمله موانع ارث‌بردن و همسری با زن مسلمان و بهره‌بردن از غنیمت است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ايشان را کافر ندانسته، بلکه به گناهانشان گرفته؛ حقّ خدا را دربارهٔ آنان جاری ساخت و از بهرهٔ آنها از اسلام جلوگیری ننمود و اسمشان را از بین مسلمانان خارج نفرمود. پس اگر شما خود را مسلمان و پیرو این پیغمبر می‌دانید چرا به محض توهّم گناه، مسلمان را کافر دانسته جان و مالشان را مباح می‌پندارید؟^{۳۹}

بنابراین، اهل بیت علیهم السّلام عمل را یکی از مراتب لازمهٔ ایمان دانسته و حقیقت ایمان را وابسته به آن شمرده‌اند؛ ولی با نبود عمل یا نقصان آن، فرد را مرتد ندانسته‌اند.^{۴۰}

ب) ایمان و رابطه آن با عمل در کتاب «الکافی»

الکافی از مهم‌ترین منابع روایی شیعه و معتبرترین آن است. باب‌بندی مناسب و جامعیت از امتیازات این کتاب است. الکافی سه بخش اصول، فروع و روضه دارد. فصل ایمان در بخش اصول قرار گرفته و باب‌های متعددی را به خود اختصاص داده است. در این فصل ابتدا روایات خلقت انسان آمده، سپس به حقیقت و پایه‌های اسلام پرداخته و در ادامه، سایر موضوعات مرتبط با ایمان را بیان کرده است. شاید این ساختار در کتاب الایمان کافی پاسخی به این پرسش باشد که چرا گاهی کافر، عمل خیر انجام می‌دهد و مؤمن، عمل بد مرتکب می‌شود. مرحوم کلینی با آوردن این روایات در ابواب خلقت انسان و پایه‌های ایمان، در مقام بیان علّت بوده است. برای شناخت حقیقت ایمان از دیدگاه کلینی باید کتاب الایمان او را مطالعه کرده و مباحث مربوط به خلقت را خواند. در ادامه، روایاتی دربارهٔ فطرت انسان آمده و سپس از حقیقت توحید که اسلام است و حقیقت اسلام که ایمان به خداوند باشد، سخن می‌گوید.

۱. ارتباط ایمان و اسلام در الکافی

یکی از پرسش‌های اصلی مسلمانان، تفاوت و رابطهٔ اسلام و ایمان است. ائمّه علیهم السّلام اسلام را کلی و ایمان را جزئی از آن دانسته‌اند. شاید علّت آن باشد که اگر معنی اسلام و ایمان را یکی

۳۹. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۷ و ۱۸۴ (با استفاده از ترجمه و شرح فیض الاسلام).

۴۰. برای آگاهی بیشتر به جلد‌های ۶۴ و ۶۵ بحار الانوار مراجعه شود.

می‌گرفتند به کسی غیر از شیعه واقعی، مسلمان گفته نمی‌شد؛ از این رو معنی اسلام را کلی شمردند تا شامل همه گروه‌های اسلامی بشود. روایاتی موید این برداشت است؛ مانند:

سفیان بن سبط می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: میان اسلام و ایمان چه فرقی است؟ حضرت جوابش را ندادند. دوباره پرسید. باز جواب ندادند. آنگاه روزی در میان راه به یکدیگر برخوردند در حالی که کوچ کردن آن مرد نزدیک شده بود، امام صادق علیه السلام به او فرمود: گویا کوچیدنت نزدیک شده؟ عرض کرد: آری. فرمود: در خانه به دیدار من بیا. آن مرد به دیدار امام رفت و از آن حضرت، فرق اسلام و ایمان را پرسید. حضرت فرمود: اسلام همین صورت ظاهری است که مردم دارند، یعنی شهادت‌دادن به اینکه کسی جز خدای یگانه، بی‌شریک نیست و اینکه محمد بنده و رسول اوست و گزاردن نماز و دادن زکات و حج خانه کعبه و روزه ماه رمضان؛ این اسلام است. اما ایمان، معرفت ولایت است به همراه این صورت ظاهری که بیان شد. پس اگر کسی به آنها اقرار کند و به این امر ولایت عارف نباشد، مسلمان است و گمراه.^{۴۱}

بنابراین رابطه بین اسلام و ایمان، عموم و خصوص مطلق است و اسلام، عام بوده و ایمان، خاص است. کسی که مسلمان است، شاید ایمان داشته باشد یا نه؛ اما کسی که ایمان دارد، مسلمان هم است.

۲. تحلیل روایات ایمان در الکافی

پس از اینکه روشن شد، اسلام و ایمان متفاوت‌اند و اسلام اعم از ایمان است؛ اکنون باید روایات کتاب الکافی که به تعریف یا تعیین مصداق ایمان پرداخته‌اند تحلیل شود. بر اساس روایات، ایمان دارای سه رکن است: اقرار، تصدیق قلبی و عمل.

۱/۲. رکن نخست: اقرار زبانی

نخستین رکن ایمان، اقرار است. اقرار، گفتن یگانگی پروردگار و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. اگر کسی عمل نیکو انجام دهد ولی برای خدا شریک قرار داده یا رسول الله را

۴۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۱.

به عنوان پیامبر، قبول نداشته باشد، مسلمان نبوده و ایمان هم ندارد. رکن نخست ایمان را می‌توان با اسلام مشترک دانست زیرا با اقرار، شخص کافر، مسلمان می‌شود و با همین قید، جان و مال او محترم می‌گردد.^{۴۲} شخص مرتد در واقع، اقرار خود را انکار کرده و از دین، خارج شده است. اقرار، نسبت به ایمان، جنبه عام دارد؛ زیرا کسی که اقرار می‌کند، شاید ایمان بیاورد و یا نیاورد؛ اما اسلام آورده است.

حال اگر کسی گناهی مرتکب شود که با اقرار، منافات داشته باشد، این شخص کافر است؛ اما نه کفر به معنی ارتداد؛ بلکه به معنی نادیده گرفتن حق. بر اساس احادیث، این افراد درجه‌ای از نفاق را داشته^{۴۳} ولی پس از مرگ در قبرستان مسلمانان دفن می‌شوند.

گروه دیگری که عمل خود را درست انجام نمی‌دهند اما اقرار خود را انکار نمی‌کنند، گناه کار بوده و از روی تسامح به آنها هم کافر گفته شده و عقوبت می‌شوند.^{۴۴} پس کافر بر چهار گروه کافر اصلی، کافر مرتد، کافر منافق و کافر گناه کار، اطلاق شده که احکام هر یک با دیگری متفاوت است.^{۴۵}

سید مرتضی (م ۴۳۶ق) ایمان را تصدیق قلبی دانسته و برای اقرار، اعتباری قائل نیست. ایشان اقرار را تنها در جایی که نشانه تصدیق باشد می‌پذیرد.^{۴۶} ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹ق) هم شبیه سخن سید مرتضی را گفته است.^{۴۷} به نظر می‌رسد که این سخن، خلاف ظاهر برخی از احادیث است.^{۴۸}

۲/۲. رکن دوم: تصدیق قلبی

دومین رکن ایمان، تصدیق قلبی است. مشهور شیعه، تصدیق قلبی را به معنای تصدیق نفسانی دانسته^{۴۹} و اشاعره آن را به معنی علم گرفته‌اند.

۴۲. ن. ک: همان، ص ۲۵.

۴۳. ن. ک: همان، ص ۳۹۳ (باب صِفَةِ الْبَغَائِقِ وَ الْمُنَافِقِ) و ص ۴۲۲ (بابُ فِي ظُلْمَةِ قَلْبِ الْمُنَافِقِ).

۴۴. ن. ک: همان، ص ۲۷۸ و ۳۷۱ و ۳۸۳.

۴۵. ن. ک: همان، ج ۶ ص ۱۷۴؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۹۶۱؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۳۸؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲۱.

۴۶. الذخیره فی علم الکلام، ص ۵۳۶.

۴۷. قواعد المرام، ص ۱۷۰.

۴۸. ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۴۹. ن. ک: حقائق الایمان، ص ۵۰.

به نظر می‌رسد که اختلاف شیعه و اشاعره در تبیین گونهٔ تصدیق است. عضد الدین ایجی (م ۳۸۴ق) از بزرگان اشاعره، می‌گوید:

ایمان، تصدیق رسول الله در چیزهایی است که علم قطعی دارد پیامبر آنها را آورده. حال اگر علم به آن تفصیلی باشد، تصدیق تفصیلی می‌خواهد و اگر علم به آن اجمالی باشد، تصدیق اجمالی می‌خواهد.^{۵۰}

وی متعلق تصدیق را دستورات آسمانی رسول الله صلی الله علیه و آله با قید علم قطعی به انتسابش تا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند. تفتازانی (م ۷۹۲ق) نیز شبیه ایجی سخن گفته است.^{۵۱}

شیعه می‌گوید، شرط ایمان آن است که فرد، به آنچه اقرار می‌کند، آگاهی نفسانی داشته باشد. اقرار اقرارکننده نباید از روی اجبار یا تقلید کورکورانه باشد بلکه باید از روی آگاهی باشد تا به تصدیق نفسانی که امری درونی است بینجامد. این تصدیق، نه با چشم قابل رویت است و نه با احساس، قابل تشخیص؛ بلکه چیزی است درونی و اختصاص به هر انسان دارد و خود می‌داند که چه مقدار نسبت به یگانگی خدای تعالی و پیامبری رسول الله صلی الله علیه و آله تصدیق دارد. اگر تنها عمل هر کسی میزان تصدیق و ایمان او باشد، خوارج با ایمان‌ترین افراد هستند.

بر این اساس، اشاعره، تصدیق قلبی را راست‌شمردن چیزهایی که حتماً پیامبر صلی الله علیه و آله آورده‌اند، می‌داند و شیعه، این تصدیق را پذیرش قلبی همین امور می‌شمرد.

۳/۲. رکن سوم: عمل

رکن سوم ایمان، عمل است. خوارج، انجام واجبات و ترک محرمات را جزو ایمان قرار داده و نبودن آن را مساوی با کفر شمرده‌اند. در برابر، مرجئه، عمل را خارج از ایمان دانسته و کسی را که مرتکب کبیره شود به شرط داشتن نیت خیر، مستحق بهشت می‌پندارند.^{۵۲} این توهّم با روح دین و

۵۰. المواقف، ج ۳، ص ۵۲۷.

۵۱. شرح المقاصد ج ۵، ص ۱۷۶.

۵۲. ن.ک: الایمان و الکفر، ص ۱۵.

فلسفهٔ اباحت رسل ناسازگار بوده و موجب رواج گناه در جامعه می‌شود. به همین دلیل، این گروه مورد لعن و طرد ائمه علیهم السّلام واقع شده‌اند.^{۵۳} امام صادق علیه السّلام در نقد دیدگاه این فرقه فرمودند:

اگر قرار باشد که گناهکاران، مؤمن بوده و وارد بهشت شوند، قاتلان امامان معصوم نیز که کافر هستند و مرتکب گناه کبیره شدند، مؤمن بوده و وارد بهشت می‌شوند.

امام، نتیجه گرفتند که مرجئه هم در ریختن خون ما شریک بوده و وارد دوزخ می‌شوند. سپس ایشان مستند قرآنی این نتیجه‌گیری را آیهٔ ۸۳ سوره آل عمران دانستند که می‌فرماید:

أَلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ
مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

هرگز ایمان به پیامبری نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد. بگو: همانا آمد شما را پیامبرانی پیش از من با نشانه‌ها و با همان که گفتید پس چرا کشتید آنها را اگر راستگویانید؟

سپس فرمودند:

میان کشندگان و گویندگان به این حرف پانصد سال فاصله بود و خداوند کشتن را به آنان نسبت داده برای اینکه بدان چه کشندگان کردند، راضی بودند.^{۵۴}

در واقع مرجئه با این دیدگاهشان به عملکرد کشندگان ائمه راضی شده و آنها را نیز مؤمن دانسته و نیت خیر آنان را در قتل سید الشهداء علیه السّلام ستوده‌اند!

روایات الکافی، دیدگاه دیگری را در برابر این فرقه‌ها مطرح کرده است. در یکی از این احادیث، جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السّلام دربارهٔ ایمان پرسید که امام فرمودند:

ایمان ثابت نمی‌شود مگر اینکه همراه عمل باشد و عمل از ایمان است.^{۵۵}

۵۳. ن.ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۸۷.

۵۴. همان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۵۵. همان، ص ۳۸.

در جایی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

تمام ایمان، عمل است.^{۵۶}

بر اساس این روایات و در جمع آن با سایر ادله، روشن می‌شود که لازمهٔ ایمان، عمل است و حقیقت ایمان، بدون عمل، معنا ندارد.

در الکافی بابی با نام «بابُ فی أنَّ الاِیمانَ مَبْتُوثٌ لِجَوَارِحِ البَدَنِ كُلِّهَا» وجود دارد که در آن روایاتی دربارهٔ پخش ایمان در همه اعضای بدن نقل شده است. در روایتی از این باب، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... یکی از آن اعضا قلب انسان است که وسیلهٔ تعقل و درک و فهم اوست و نیز فرمانده بدن اوست و اعضای دیگر بدون رأی و فرمان او در کاری ورود و خروج نمایند و دیگر از اعضایش دو چشم اوست که با آن می‌بیند و دو گوش اوست که با آن می‌شنود و دو دستی که دراز می‌کند و دو پایی که راه می‌رود و فرجی که شهوتش از جانب اوست و زبانی که با آن سخن می‌گوید و سری که رخسارش در آن است.^{۵۷}

این روایت نشان می‌دهد که همه اعضای بدن در عمل نقش دارند و مراد از عمل، عمل به دست و پا نیست بلکه هر عضوی به فراخور خود، عملی دارد و حتی عقل نیز دارای عملی است.

از دیدگاه شیعه و بر اساس روایات کتاب الکافی، عمل، نقش مهمی در ایمان دارد. از این رو علامه طباطبایی عمل را لازمهٔ ایمان دانسته‌اند.^{۵۸} می‌توان گفت که از روایات، رکنیت به معنای ملازمه فهمیده می‌شود نه اینکه عمل، تنها شرط کمال ایمان باشد؛ بلکه چیزی فراتر از آن بوده و لازمهٔ ایمان است. این لزوم به گونه‌ای نیست که با نبودنش، فرد، مرتد شود بلکه الزامی بودن به معنی، لزوم حرکت به سمت عمل است و خود حرکت نکردن، گناهی بزرگ است.

۵۶. همان، ص ۳۳.

۵۷. همان، ص ۳۴.

۵۸. المیزان، ج ۱۵، ص ۶.

نتیجه‌گیری

مفهوم ایمان و رابطه آن با عمل، بین صاحب‌نظران مختلف، محل بحث بوده است. گاهی این بحث‌ها و اختلافات باعث تضاد و حتی تکفیر در بین اهل سنت نیز شده است. مفهوم مصطلح ایمان از معنای لغوی آن گرفته شده و تصدیق یگانگی خدا و پیامبری رسول الله صلی الله علیه و آله است. ایمان، زمانی واقعی خواهد بود که تصدیق، همراه با عمل باشد، از این رو عمل از ارکان و لازمه ایمان است.

ایمان در روایات کتاب کافی بر سه رکن اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی استوار است. با اقرار زبانی، شخص کافر، مسلمان شده، جان و مالش محترم می‌شود. با تصدیق قلبی، شخص وارد حوزه ایمان می‌گردد و با عمل، ایمان وی کامل می‌شود. حرکت به سمت عمل، جزو الزامات ایمانی است و هرچه این حرکت قوی‌تر و بهتر باشد، مراتب ایمانی فرد، بالاتر بوده و درجات وی در آخرت برتر خواهد بود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. مراتب ایمان و هویت هر مرتبه

۲. مراتب کفر و چپستی هر رتبه

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳. الایمان و الکفر فی الکتاب و السننه، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۴. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵. بشاره المصطفی لشبعة المرتضی، عماد الدین طبری، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.
۶. تحریر الوسیله، امام خمینی، نجف، مطبعة الآداب و دار الکتب العلمیه، دوم، ۱۳۹۰ ق.
۷. التحقیق فی الفاظ القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۸. ترجمه و شرح نهج البلاغه، سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۹. ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۱۰. ترجمه تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادہ، محمد آقارضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، دانشگاه پیام نور و نشر محسن و سرّ الاسرار، اول، ۱۳۷۳ - ۱۳۸۰ش.
۱۱. ترجمه مجمع البیان، گروه مترجمان، تهران، فراهانی، اول، ۱۳۶۰ش.
۱۲. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۳. الذخیره فی علم الکلام، سید مرتضی علم الهدی، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۱۱ق.
۱۴. شرایع الاسلام، جعفر بن حسن (المحقّق الحلی)، قم، استقلال، ۱۴۰۹ق.
۱۵. شرح الاصول الخمسه، قاضی عبد الجبار، بیروت، دار احیاء التّراث العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
۱۶. شرح المقاصد فی علم الکلام، عمر تفتازانی، پاکستان، دار المعارف التّعمانیه، ۱۴۰۱ق.
۱۷. شرح المواقف، عضد الدّین ایجی، تحقیق عبد الرّحمن عمیره، بیروت، دار الجیل، اول، ۱۴۱۷ق.
۱۸. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، استانبول، دار الطباعة العامرة، ۱۴۰۱ق.
۱۹. صحیح المسلم، مسلم نیشابوری، بیروت، دار الفکر.
۲۰. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۱. عیون اخبار الرّضا علیه السّلام، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۲. فصل فی الملل و الاخوان فی النحل، ابن حزم اندلسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۳. قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ششم، ۱۳۷۱ش.
۲۴. قواعد المرام فی علم الکلام، ابن میثم بحرانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار الفکر و دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲۷. مجمع البحرین، فخر الدّین محمد طریحی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۹. المحيط فی اللّغة، اسماعیل بن عباد (صاحب بن عباد)، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۳۰. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۳۱. معجم مقاییس اللّغة، احمد بن فارس، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۲. مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دمشق، دار القلم و دار الشّامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۳. المواقف، عضد الدّین ایجی، بیروت، دار الجیل، اول، ۱۴۱۷ق.
۳۴. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم، جامعه مدرّسین، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.